کتاب ورز تمدن‌پژوه

سید فرید قاسمی
نویسنده و پژوهشگر

خواسته‌اید درباره بازگشت دکتر رسول جعفریان به کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران بنویسم. نخست امیدوارم همانند دوره پیشین با دشواری‌های عدیده روبه‌رو نشود. در دور یکم برگه‌ای به عنوان حکم گرفت با برنامه اما بی‌بودجه راهی کتابخانه شد. حدود چهار سال (۱۳۹۶ تا ۱۴۰۰) دکتر جعفریان از اعتبار شخصی‌اش هزینه کرد. با تلفن، جلسه‌های حضوری و فراخوان‌هایش به هر یک از دوستانش کاری سپرد. رفقایش بی‌مزد و منت به یاری‌اش شتافتند. یکی برای برگزاری هم‌اندیشی و نمایشگاه‌ها یاری رسان شد. دیگری کتاب نوشت و سخنرانی کرد. کتابدارهای کتابخانه هم با اندک حقوق ساختند و ساعت‌هایی از وقت خود را که به خانه و خانواده اختصاص داشت، صرف فهرست نویسی و برخط پردازی منابع کردند. در دوره اول، از انتشار کتاب و نشریه تا هویتمندی موزه و مرکز اسناد، افزایش داشته‌ها، تحول در تالارها، اختصاص فضایی آبرومند برای روزنامه‌ها و مجله‌ها و بسیاری کارهای دیگر را دکتر جعفریان به ثمر رساند. در مراسم «جست‌وجو گر گذشته، دغدغه‌مند آینده» گفتم: گرامی می‌داریم یاد و نام همه کتاب‌آفرین‌ها، کتابدارها، مدیرهای کتابخانه‌ها و همه کتاب‌ورزهای ایرانی را. هرکسی که قلمی زد و قدمی در این راه برداشت. بسیاری دراین مسیر عُمر گذراندند اما زمانی که به مرور تاریخ کتابخانه‌های ایران معاصر می‌نشینیم دو فصل پررنگ پُر برگ و بارتر داریم که یکی متعلق است به زنده یاد ایرج افشار و دیگری زنده یاد رسول جعفریان.

آقای دکتر جعفریان در این ۶۰ سال و ۶ ماه اخیر و چند روز عُمرش تا امروز، بیش از ۴۷ سال بی‌وقفه مأنوس با کتاب بوده و هست. مراد ما از کتاب این تعریف است: هر مضمونی که بر محملی ثبت و ضبط شود. با این تعریف یعنی همه نوع کتاب (خطی، چاپی و دیجیتالی).

در مجلس گرامی داشت استاد ایرج افشار گفتم که اگر پدرش موقوفه‌ای برپا کرد، ایرج افشار به وقف بی‌وقفه خود پرداخت. او خود موقوفه ایران‌شناسی و زبان فارسی بود. دکتر جعفریان هم بیش از چهار دهه است که به وقف خود پرداخته و موقوفه اسلام شناسی و ایران‌شناسی شده است. اگر تاریخ اسلام و حج‌پژوهی یک رده کاری فرض شود و تاریخ‌های معاصر، تشیع، صفویه و اخیراً قم‌پژوهی را در رده دیگری بدانیم. درون رده دوم بخش‌هایی از ایران‌شناسی را درمی‌یابیم.

> دکتر جعفریان در این ۶۰ سال و ۶ ماه اخیر و چند روز عُمرش تا امروز، بیش از ۴۷ سال بی‌وقفه مأنوس با کتاب بوده و هست

دکتر جعفریان، کارنامه‌ای وسیع دارد. از حیث کتاب، هم پدید آورنده و هم ناشر است، هم مصحح و گردآورنده.

بنیادگذاری کتابخانه تخصصی تاریخ اسلام و ایران در قم که چند ماه دیگر سی ساله می‌شود. گردانندگی کتابخانه‌های مجلس و مرکزی دانشگاه تهران که دو برگ زرین در تاریخ این دو کتابخانه را رقم زد، هیچ گاه از یادها نمی‌رود. حیات مطبوعاتی ایشان هم که با مجله‌های قم در دهه شصت آغاز شد و به مدیریت، سردبیری و حتی بنیادگذاری شماری نشریه انجامید.

تحقیق و تدریس، کتاب‌شناسی و مجموعه سازی، نسخه‌شناسی و متن‌پژوهی، تصحیح و احیاگری، تاریخ‌نگاری و تألیف، ایرانگردی و جهانگردی البته توأم با نگارش سفرنامه، تأسیس گروه‌های تاریخ در مؤسسه‌ها و مرکزها (پژوهشی، اطلاع‌رسانی و دانشگاهی)، پیوندگری کتابخانه‌ها و مراکز اطلاع‌رسانی، همکاری با پایگاه‌های خبری و خبرگزاری‌ها از بازتاب تا خبرآنلاین، تأسیس کتابخانه‌های اختصاصی و تخصصی درون کتابخانه مجلس، همه و همه برگ‌های دیگری از کارنامه دکتر جعفریان است.

ایشان با دلبستگی به نوآوری‌های زمانه و دلسپردگی به فناوری‌های عصر ۳۵ سال است که با رایانه روزگار می‌گذراند. از وبلاگ‌نویسی تا کانال تلگرامی، از کتاب کاغذی تا کتاب برخط، از لوح تا ذخیره جانبی و این روزها اقامت گزینی در جهان هوش مصنوعی همه را در خدمت دانش‌گستری می‌خواهد. او عُمر و سلامتی خود را در این راه صرف کرد.

چند سال پیش از این دوست ما آقای جلیسه، پژوهشگری که از قضا ناشر هم هست تلفنی گفت می‌خواهد ارج‌نامه‌هایی منتشر کند. گفتم از دکتر جعفریان شروع کن و عنوان اصلی کتاب را بگذار: ارج درج و عنوان فرعی را نکوداشت نامه دکتر رسول جعفریان. پرسید: «چرا ارج درج؟» گفتم: درج در این جا دو معنایی است. از یک طرف معنی نگاشتن و معناهای مشابهی دارد و از طرف دیگر مخفف / سرواژه دکتر رسول جعفریان می‌شود درج. پسندید و امیدوارم کار ایشان هم به نشر برسد تا به همراه کتاب‌شناسی و کارنامه مطبوعاتی دکتر جعفریان در کنار کتاب آفاق دانایی که به سعی آقای حامد زارع منتشر شد، تصویر کامل‌تری از حیات فکری و فرهنگی ایشان شناسانده شود.

ایرج افشار می‌گفت: «پژوهش‌های تاریخی را در قم باید به دو دوره پیش از رسول جعفریان و از شروع کار او تا امروز تقسیم کرد. پیش از دکتر جعفریان پژوهش‌های تاریخی در قم معنای دیگری داشت.» باید یادآور شوم که دکتر جعفریان برای زمان ارزش قائل است. با غاصبان وقت میانه‌ای ندارد. تأییدطلب نیست و هوشیارانه کار خودش را انجام می‌دهد. او از خیابان تاریخ به بزرگراه تمدن پژوهی رسید. ناقد علم در ایران و عضو فرهنگستان علوم شد. دکتر جعفریان تعریف از این رباط دو در دارد.

برای او دنیا رستوران و خوابگاه نیست، مدرسه و معدن کار است.

ایشان با تجربه و تحصیل به فهم و معرفت گذشته رسید، فرا رخداد و علت غایی را می‌بیند. وقوف دارد فهم گذشته با گرفتاری در گذشته تفاوت دارد. گذشته را حافظ آینده می‌داند و معتقد است پیشرفت اگر مبتنی بر پیشینه‌ها نباشد خواهد لنگید. او نخ اتصال را دریافته و از معدن تاریخ به استخراج اندیشه‌ها پرداخته است و اعتقاد دارد که تاریخ پشت سر نیست. امروز و فردا هم ادامه تاریخ است. ایشان تلاش دارد دیدنی‌هایش را متوجه شود. به خوبی می‌داند که راه رشد، پیشرفت و توسعه از کتابخانه می‌گذرد. امیدواریم که کاربه‌دستان به سخن او توجه کنند که راهگشاست. ایده‌های فراوانی دارد. یکی از طرح‌های او نظام یکپارچه کتابخانه‌های دانشگاهی ایران با مرکزیت کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران است. امیدواریم یکپارچه پردازی کتابخانه‌ها به خصوص در دوره دوم تصدی‌اش در کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران و همه ایده‌هایی که مدنظر دارد و می‌گوید بشنوند و در جهت تحقق‌شان یاری‌اش کنند.

حج

کتابشناسی، تصحیح نسخ خطی و فهرست نگاری کتب کهن، رسول جعفریان را به افشار ایران‌شناس شبیه کرده است

> هر کتابخانه‌ای را باید با سرمایه‌ای که دارد سنجید، با سیاستی که در اداره‌اش برای تعامل با مراجعین دارد، در مدلی که در اطلاع‌رسانی دارد، فضایی که برای مطالعه و تحقیق در اختیار قرار می‌دهد

کتابخانه می‌شود، شماره ملی خود را وارد کرده، اکانتی می‌سازد و پس از آن می‌تواند روزانه یک نسخه دانلود کند. این محدودیت برای این است که سرور کتابخانه مورد مراجعه جمعی قرار نگیرد و مشکل فنی برای آن درست نشود. فکر نمی‌کنیم نیازی به بیش از این هم باشد. اینکه کسی بتواند در ماه ۳۰ نسخه بردارد، خیلی معقول است. این روزها شاهد انتشار تصاویر نسخ خطی دانشگاه تهران در کانال‌های تلگرامی تخصصی هستم. از این بابت خوشحالم که این نسخه‌ها در دسترس است و پژوهشگران ایرانی می‌توانند براساس آنها یادداشت‌های علمی و مقاله بنویسند. این را هم عرض کنم که روی بسیاری از این نسخه‌ها وقف‌نامه هست و این یعنی اینکه باید در اختیار طلبه و دانشجو قرار گیرد. حبس آنها اقدامی ناشایست و نادرست است و به نظرم حتی در مقابل کتابخانه‌هایی که مزاحمت ایجاد می‌کنند، می‌شود شکایت کرد که اجازه بهره‌وری مطابق وقف کتاب را به مردم نمی‌دهند. اگر یک بار جمعی از محققین این کار را بکنند، نتیجه‌اش را خواهیم دید.

ایران در دوره اول، برنامه‌های اجرایی شما منشأ تحولات مهمی دراین کتابخانه شد، از جمله غنی کردن آرشیو مجلات (از قاجار تا به امروز). برای تداوم این روند چه برنامه‌هایی دارید؟

اولین بار خاطرم هست در کتابخانه مجلس، مجموعه‌ای از نشریات اسکن شده. توسط دیگران و خود ما. را در چند دی‌وی‌دی منتشر کردیم. آن وقت رئیس کتابخانه ملی اعتراض کرد. من به ایشان گفتم، همه ما یک هدف مشترک داریم. تازه شما اسکن کرده و نگاه داشته‌اید و حبس کرده‌اید. چه اشکالی دارد که ما هزینه انتشار آن را بدهیم و اینها دست مردم برسد؟ این کار ما واکنش مثبت زیادی میان محققان داشت. بعد از آن نیز با کسانی که مجموعه‌های باارزش و اسکن نشریات را داشتند مبادله کردیم. تا به امروز، تبادل سرمایه‌های علمی برای عده‌ای از مدیران یک تابو است و از آن هراس دارند. ما با مؤسسه مطالعات تاریخی تبادل نشریات داشتیم. در حال حاضر، مجموعه عظیمی از فایل‌های نشریات در کتابخانه مرکزی هست که ناشی از همین همکاری است. چند نیروی خوب می‌خواهیم تا سازماندهی بهتری از آنچه داریم داشته باشیم. بقیه را هم اسکن کنیم. اما نشریاتی هم هست که همچنان دست افرادی است که قصد فروش آنها را دارند. این نشریات غالباً گران هستند و پول گزافی می‌خواهند. ما باید درصدد رفع نواقص باشیم. به هر حال، این را بدانید که یک کتابخانه نمی‌تواند همه چیز را داشته باشد، آنچه مهم است اینکه همه کتابخانه‌ها درباره آنچه دارند، اطلاع‌رسانی کنند و به تدریج همه آثار اسکن شده در کنار هم قرار می‌گیرد. یک مشکل هم فروش تصاویر نشریات است. از یک طرف مراکز به فکر درآمد هستند و از سوی دیگر ما نگران دانشجو یا استاد یا پژوهشگران آزادی هستیم که هزینه کافی برای پرداخت ندارند. تلاش داریم و مرتب به مدیران بخش می‌گویم تا جایی که ممکن است بدون پول و یا دست کم تخفیف بدهند. از هر نوع کمکی برای تهیه نشریات هم استقبال می‌کنیم.

ایران برای کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران در مقایسه با دیگر کتابخانه‌های دانشگاهی کشور چه جایگاهی قائل هستید؟

هر کتابخانه‌ای را باید با سرمایه‌ای که دارد سنجید، با سیاستی که در اداره‌اش برای تعامل با مراجعین دارد، در مدلی که در اطلاع‌رسانی دارد، فضایی که برای مطالعه و تحقیق در اختیار قرار می‌دهد، موقعیتی که در شهر دارد و مسائلی از این دست. کتابخانه مرکزی، از همه این جهات ویژگی‌های خاص و ممتاز خود را دارد. اینجا از آغاز خوب بنیانگذاری شده است. به علاوه هزاران دانشجو در اطراف آن هستند و از آن استفاده می‌کنند که بسیاری از کتابخانه‌های بزرگ دیگر از چنین نعمتی برخوردار نیستند که این قدر مشتری داشته باشند. روزگاری که کتابخانه‌ها کهنه بودند، کتابخانه مرکزی ساختمان و سیستم کاملاً جدیدی داشت و از این جهت یک «نمونه» بود. هنوز هم به نظرم این جایگاه را دارد. در واقع، کتابخانه مرکزی دانشگاه، یک کتابخانه دانشگاهی اما متفاوت با بسیاری از کتابخانه‌های دانشگاهی است و در حد کتابخانه‌ای با جنبه‌های ملی است. این کتابخانه الگویی برای کتابخانه‌های دانشگاهی بوده و هست. به نظرم درست از ظرفیت آن استفاده نشده و رشد چندانی نکرده است. البته انصافاً کتابخانه‌های خوب دیگری هم وجود دارد. کتابخانه دایرةالمعارف بزرگ اسلامی در منطقه «دارآباد» یکی از بهترین‌هاست، اما حیف که اولاً عمومی نیست و ثانیاً در گوشه شهر، گرچه خوش آب و هوا قرار گرفته است. همکاری کتابخانه‌ای به خصوص در فضای مجازی می‌تواند بسیاری از این نواقص را برطرف کند، اما متأسفانه ضعیف است.

ایران شما برخلاف برخی اهالی کتاب و البته مدیران فرهنگی یک دهه اخیر با اینترنت و امکانات برخاسته از آن بیگانه نیستید، حتی طی سال‌های اخیر حضور فعالی نیز در شبکه‌های اجتماعی و فضای مجازی داشتید؛ با چنین نگاهی چه برنامه‌ای برای کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران دارید؟

من فکر می‌کنم کتابخانه‌های ما عموماً بسته عمل می‌کنند و تنها اندکی از آنها در شبکه‌های اجتماعی هستند. آنها مثل یک موزه شده‌اند که کتاب‌های قدیمی را نگهداری می‌کنند. حالا دیگر موزه‌ها هم به شبکه‌های اجتماعی می‌آیند. سؤال این است ما چطور کتابخانه را به میان جامعه بیاوریم؟ این سؤال مهمی است. چطور نسل جدید را با کتابخانه و محتوای آن آشنا کنیم. هزار راه نرفته در اینجا هست. مشکل ما این است که کتابخانه‌های دولتی، فقط در چهارچوب روال تعریف شده و سنتی خود پیش می‌روند. هیچ احساس مسئولیت عمومی ندارند، اغلب هم کارمند عادی هستند. اگر متخصصی هم هست، دنبال کار و تحقیق خودش است و فقط از چای و قند کتابخانه استفاده می‌کند. نهایت اگر رئیسی سختگیر باشد، بخشی از کارها هم انجام می‌شود. اینکه در تلگرام باز است و تلگرام تبدیل به یک کتابخانه بزرگ شده است، هشدار به ماست. الان «تلگرام» کتابخانه‌ای به مراتب بزرگ‌تر از ۸۰ درصد از کتابخانه‌های کشور است، زیرا فایل بسیاری از کتاب‌ها در آنها هست. علاوه بر این در بسیاری از رشته‌های دانشگاهی «پایگاه‌های اطلاعاتی و کتابی» بسیار مهم‌تر از کتابخانه‌های فیزیکی هستند. آنها دنبال کتاب چاپی نیستند و مطالب خود را از همین پایگاه‌ها اخذ می‌کنند. ما منتظر چه هستیم؟ باید تلاش کنیم رابطه کتابخانه‌ها را با شبکه‌های اجتماعی اصلاح کنیم. در ایران، از این شبکه‌ها بیشتر برای حال و احوالپرسی، کارهای سیاسی و تبلیغاتی و گاه به نمایش گذاشتن رفتارهای ناهنجار استفاده می‌شود. کتاب در آنها چه جایگاهی دارد؟ کتابخانه‌های ما در این زمینه چه جایگاهی دارند؟ ما قدرت مانور محدودی داریم که باید بر آن بیفزاییم. محتوای مکتوب را عرضه کنیم، آنها که مشکل حقوقی ندارد. به علاوه در شبکه‌های اجتماعی فعالیت بیشتری از نظر نشر علم و محتوا داشته باشیم. متأسفانه سخت می‌شود ذهن افراد کارمند را عوض کرد، آن هم با شندرغاز حقوق که همیشه مشکل کارمندی در ایران بوده است.

ایران نگاه‌تان به مقوله کتابخوانی و کتابخانه‌ها در جهانی که دیجیتالی شدن جزئی لاینفک از آن شده است چیست؟

بنده بخشی از این پرسش را بالا جواب دادم، اما باید بیفزایم، اصولاً انتقال علم و دانایی، مانند گذشته به وسیله کتاب نیست. الان تا حد زیادی کتاب برای تفنن و سرگرمی شده است. یک عادت است. مردم اطلاعات خود را از شبکه‌های اجتماعی و عمومی، از ویکی‌ها و وبسایت‌های تخصصی می‌گیرند. ما که کتابخانه‌دار هستیم، می‌دانیم در دانشکده علوم، فنی، پزشکی و بسیاری از رشته‌های دیگر، عموماً استفاده از پایگاه‌های اطلاعاتی و فایل‌ها صورت می‌گیرد، و جز به ندرت از فیزیک کتاب استفاده نمی‌شود. وقتی زنان در خانه اهل مطالعه چندان نبودند اما اکنون، بسیار بیشتر از مردان، علم و دانش را از همین گوشی بدست می‌آورند. برای مثال اطلاعات پزشکی بسیار مهمی را از طریق سایت‌ها و کانال‌های تلگرامی و واتساپی و ایتایی تحصیل می‌کنند. این یعنی اینکه مجرای انتقال علم و دانایی عوض شده است. ما باید برای اینها برنامه داشته باشیم. به هر روی حمایت از کتاب، در عصر جدید، حمایت از علم نیست. حمایت از هوش مصنوعی حمایت از علم است. هر چه زودتر باید سرمایه مکتوب بشر تبدیل به فایل و... شود، در سرورها جای گیرد و با سرعت برق در اختیار همه قرار گیرد. کتابی که در ۲۰۰ نسخه منتشر می‌شود، از نظر ترویج به چه کار می‌آید؟ آیا می‌شود آن را مقایسه با فایلی کرد که در چند ساعت هزاران نسخه آن دانلود می‌شود؟

ایران آقای جعفریان بسیاری از دوستان‌تان و افرادی که شما و حیطه کاری‌تان را می‌شناسند، شما را با زنده‌یاد ایرج افشار مقایسه می‌کنند، اینکه اگر زنده‌یاد افشار خود را وقف ایران‌شناسی و زبان فارسی کرد؛ شما هم خود را وقف ایران شناسی و تاریخ اسلام کرده‌اید. نگاه خودتان به این مقایسه چیست؟

بنده بارها گفته‌ام که از لحاظ سبک و سیاق، به مقدار زیادی متأثر از ایشان هستم. همان طور که از دیگر استادانم تأثیر پذیرفته‌ام. مرحوم سید جعفر مرتضی، سید عبدالعزیز طباطبایی، سید محمدعلی روضاتی، سید مهدی روحانی. زمانی که خانه ما در شهرک قائم تهران بود و تقریباً نزدیک به منزل آقای افشار مرتب به ایشان سر می‌زدم، ایشان هم لطف داشتند و چندین بار در قم به کتابخانه تاریخ آمدند. زمانی که مجله آینده منتشر می‌شد، مرتب می‌خواندم. دوستانی هم داشتم و دارم، مانند جناب مطلبی کاشانی، جواد بشری و بسیاری دیگر که مرتب به منزل ایشان می‌رفتند و از ایشان متأثر بودند و ما با یکدیگر مشورت می‌کردیم و رفیق بودیم. آقای ایرج افشار گردن نسل ماحق بزرگی دارد. در کارهای علمی خیلی دست و دلباز بودند. زمانی که در کتابخانه مجلس بودم، چند بار آمدند. فکر می‌کنم دست کم دو بار آمدند. مهم‌تر از همه کارهای چاپی ایشان بود که برای ما یک نمونه و الگو بود. حیف، وقتی که به کتابخانه مرکزی آمدم نبودند که بنده را راهنمایی کنند. خدای ایشان و همه استادان ما را بیامرزد.

راه‌اندازی کتابخانه تخصصی انقلاب اسلامی، انتشار صدها عنوان کتاب و مجله و... از جمله کارهایی هستند که جعفریان طی این مدت کوتاه به‌سامان کرده و انجام داده است.

جعفریان از سال ۱۳۹۶ تا ۱۴۰۰ به‌عنوان ریاست کتابخانه مرکزی و مرکز اسناد دانشگاه تهران انتخاب می‌شود، او در این جایگاه نیز با وجود همه کمبودها و مشکلات خوش می‌درخشد و موفق می‌شود فعالیت‌ها و کارهای ارزشمندی انجام دهد. مهم‌ترین فعالیت جعفریان در این دوره دسترس پذیر نمودن منابع ارزشمند این کتابخانه برای پژوهشگران بود، به‌گونه‌ای که از هر جای دنیا پژوهشگران می‌توانستند نسبت به تهیه نسخ خطی، میکروفیلم‌ها، عکس‌ها، اسناد و... اقدام کنند. در حالی که انتشار ده‌ها جلد کتاب و مجله ارزشمند در این دوران نیز از جمله اتفاقات قابل توجه در دوره مدیریتی او به‌شمار می‌رود.

ایران طی سه سال گذشته با وجود تلاش‌هایی که برای تسهیل در برخی دسترسی‌ها انجام داده بودید، در نتیجه تغییر سیاست‌های مدیریت قبلی شاهد قطع دسترسی به نسخه‌های خطی و آثار نفیس بودیم؛ هرچند که از ششم بهمن ماه بخشی از این دسترسی‌ها مجدد برقرار شده است. این دسترسی‌ها برای عموم است؟

نه چه اتفاقی افتاده است، مهم این است که الان نسخه‌های خطی دانشگاه که حدود ۱۷هزار است، در اختیار عموم قرار دارد. برای این کار، راهنمایی در کانال تلگرامی کتابخانه مرکزی هست که مراجعین را کمک می‌کند تا به نسخه مورد نظر برسند. هر شخصی وارد سایت بهره برده‌اند. چنان که در مدت ریاست بر کتابخانه مجلس یا دانشگاه آثار متعددی با تشویق، حمایت و هدایت ایشان منتشر شد. این موضوع آنقدر برای او حائز اهمیت بود که برای هرکتاب جداگانه مقدمه‌ای می‌نگاشت. در سال ۱۳۹۱ ایشان طی اقدامی جالب تصمیم می‌گیرد تمامی این مقدمه‌ها را تجمیع و البته با مقدمه‌هایی که برای کتاب‌های دیگر نگاشته در یک کتاب با عنوان «جامع المقدمات» منتشر کند.

۳. انتشار کتاب

استاد جعفریان جدا از آثار و تألیفاتی که از خود به‌جای گذاشته‌اند، همواره مشوق شاگردان، دوستان و اهالی پژوهش برای انتشار آثارشان بوده‌اند و هر زمان نیز امکانی برای چاپ و نشر کتاب اهالی قلم داشته، از این امکانات نیز کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران و همچنین حمایت از انتشار مجله «پژوهش‌های نسخه‌شناسی» از جمله اقدامات کتاب‌دوستانه ایشان به‌شمار می‌رود.

۴. انتشار مجلات کتابگزار

جعفریان در زمان حضورش در کتابخانه مجلس و بعدتر در کتابخانه دانشگاه، اهتمامی جدی به انتشار مجلاتی کتاب‌محور و پژوهش محور داشت. انتشار ده‌ها شماره از مجله‌نامه بهارستان، پیام بهارستان، اسناد بهارستان در کتابخانه مجلس یا انتشار جلد چهاردهم از نشریه نسخه‌های خطی

۵. یادنامه‌ها و جشن‌نامه‌ها

ادای احترام به‌بزرگان دین و اهل قلم یکی از مهم‌ترین خصایص اخلاقی و بزرگ‌منشانه استاد رسول جعفریان است که موضوع دیگر فعالیت‌های کتاب‌محور ایشان طی این سال‌ها بوده است. انتشار کتاب‌هایی در تکریم و بزرگداشت بزرگان و صاحب‌قلمان را می‌توان با انتشار آثاری چون «جشن‌نامه استاد سیداحمد حسینی اشکوری»، «جشن‌نامه آیت‌الله رضا استادی»، «جشن‌نامه آیت‌الله شیخ هادی امینی»، «هادی‌نامه: ارج‌نامه مقام علمی و فرهنگی استاد سیدهادی خسروشاهی» و کتاب‌هایی چون «ز هامون سوی گردون: ارج‌نامه دکتر منصور صفت‌گل» و «از کران تا کرانه: ارج‌نامه دکتر محمدباقر وثوقی» دنبال کرد. این آثار همگی از جمله کوشش‌های ایشان برای تکریم اساتید، همکاران و پژوهشگران شناخته شده در حوزه‌های مختلف دانشی است که به مدد و همت ایشان چاپ و انتشار یافته است.